

رياضيات-هيئة

١

مجموعه

زبدة الهيئة

خواجه نصير الدين طوسي

رسالة في تحقيق كائنات الجوّ

مولانا محمد طالش

رسالة في تحقيق صفحة الاسطرلاب

شيخ بهايي



عنا

١

مجموعه زبدة الهيئة، رسالة في تحقيق كائنات الجوّ، رسالة في تحقيق صفحة الاسطرلاب

برخی از کتاب های این مجموعه در رشته هیئت

ترجمه صور الكواكب خواجه نصير الدين طوسي

الملخص في الهيئة جغميني

شروح مختلف بر الملخص في الهيئة

زيج های مختلف

تذکره خواجه نصير الدين طوسي

شروح مختلف بر تذکره

تحریر منجسطی و شروح مختلف بر آن

و...



شماره تماس جهت تهیه کتاب

۰۹۳۵۹۶۵۳۹۶۸

قیمت: ۸۰۰۰ تومان

و شانه
 زین المصنف
 البیاض فی الطب
 علی بن الحنفیة
 و غیره



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 بعد از سپاس و ستایش از پروردگار جل و علا و درود بر خاتم انبیا محمد
 صلی الله علیه و آله و بر اهل بیت بازان او چنین است که در این مقال
 و مستور این رسالت محمد بن محمد الطوسی که در بعضی سفرها جماعتی متعلمان که بنام
 فرزندانشند بیل عزیزی تو باستفادت علم هبات استکشاف احوال و اکتاف لغوام و
 مغفرت اوضاع و حرکات کو اکتاف بیل تو دند از جهت اجابت التماس ایشان این مختصر در
 این علم بجاقتضای وقت و حال و مساعدت خاطر بازرگاران اشتغال بجز کرد و آنرا
کتاب المصنف نام نهاد که چنانست که اگر اینک مدد کنند بر تحصیل ثما
 انعلم قادر شوند با شروع در آنچه مبادی و راهین این فن باشد کشف کردند
 بنام این مختصر بر روی باب نهاد آمد چنانکه تفصیل آن بجای خود بنیاید انشاء الله
 انه ملهم الخوا و الهدی الرجوع **باب اول** در آنچه پیش از شروع در این علم
 دانستی است هر چه قابل اشادت باشد که بهیچ وجه قمتی بدین بر نبود و انرا فقط خوا
 و اگر در یک جهت قمتی بدین بر بود و در هیچ دیگر قمتی بدین بر نبود و انرا فقط خوانند آن

طول باشد عرض و اگر در دو جهت قمت بدین بود یعنی در طول و عرض در دو
 قمت بدین بر نبود از سطح خوانند و اگر در طول و عرض و عمق قمت بدین باشد از
 جسم خوانند ^{نظیر} خط با مستقیم بود یا منحنی مستقیم آن بود که نقطه‌ها که بر آن فرض
 توان کرد برابر یکدیگر باشند منحنی آن بود که نه چنین بود و نه نهایت خط بنقطه باشد
 و سطح نیز مستوی یا غیر مستوی و مستوی آن بود که هر خط مستقیم بر آن فرض توان کرد
 در هر جهات مستقیم بود و نه نهایت سطح خط بود و هر سطحی که دو خط او زاویه میان
 کردند چنانکه این دو خط بر نقطه بهم رسند هر دو یک خط شوند آن سطح را در موضع
 التقاء آن دو خط زاویه خوانند و زاویه باشد که مستقیم نبود باشد که بنویسند
 و چون خط منحنی متناسب سطحی محیط شود چنانکه در میان آن سطح نقطه فرض توان
 کرد که هر خط مستیمی که در آن نقطه بدان خط رسد در هر جهات متساوی بود ^{آن}
 سطح را دایره خوانند و این خط را محیط و آن نقطه را مرکز و آن خطها را انصاف ^{خطها}
 و اگر از دو جهت محیط رسند آن دایره را بدو نیمه کنند قطرها باشد اگر خط ^{مستقیم}
 دایره را بدو نیمه کند آنرا وتر خوانند و پاره آن محیط باز کند آنرا قوس خوانند
 هر سطحی که خطها بدو محیط باشد از اشکال سطح خوانند پس اگر سه خط بود آنرا
 مثلث خوانند و اگر چهار خط بود آنرا مربع و بر این قیاس و هر جسمی که سطح مستقیم
 بدو محیط شود متناسب چنانکه در میان آن جسم نقطه فرض توان کرد که هر خطی که
 از آن نقطه بآن سطح کشند بر استقامت هم متساوی باشد آن جسم را کره خوانند
 آن سطح محیط و آن نقطه را مرکز و آن خطها را انصاف اقطار چنانکه گفتیم و چون
 سطح مستوی که زاویه پاره کند بر محیط کره دایره حادث شود پس اگر آن سطح بر کره

در هر جهات مستقیم بود و نه نهایت سطح خط بود و هر سطحی که دو خط او زاویه میان کردند چنانکه این دو خط بر نقطه بهم رسند هر دو یک خط شوند آن سطح را در موضع التقاء آن دو خط زاویه خوانند و زاویه باشد که مستقیم نبود باشد که بنویسند و چون خط منحنی متناسب سطحی محیط شود چنانکه در میان آن سطح نقطه فرض توان کرد که هر خط مستیمی که در آن نقطه بدان خط رسد در هر جهات متساوی بود آن سطح را دایره خوانند و این خط را محیط و آن نقطه را مرکز و آن خطها را انصاف خطها و اگر از دو جهت محیط رسند آن دایره را بدو نیمه کنند قطرها باشد اگر خط مستقیم دایره را بدو نیمه کند آنرا وتر خوانند و پاره آن محیط باز کند آنرا قوس خوانند هر سطحی که خطها بدو محیط باشد از اشکال سطح خوانند پس اگر سه خط بود آنرا مثلث خوانند و اگر چهار خط بود آنرا مربع و بر این قیاس و هر جسمی که سطح مستقیم بدو محیط شود متناسب چنانکه در میان آن جسم نقطه فرض توان کرد که هر خطی که از آن نقطه بآن سطح کشند بر استقامت هم متساوی باشد آن جسم را کره خوانند آن سطح محیط و آن نقطه را مرکز و آن خطها را انصاف اقطار چنانکه گفتیم و چون سطح مستوی که زاویه پاره کند بر محیط کره دایره حادث شود پس اگر آن سطح بر کره

الارتفاع فظل المقياس وقت بلوغ الشمس اليها على صوب القبلة ولكن
اخرنا او ردنا البراه في هذه الاوراق والصلوة على سيد الخلائق
الاطلاق محمد واله الطاهرين والحمد لله رب العالمين

بنت الرضا الاسطرلاب في جلال

الثانية ١٣٢٠هـ

فهرست في هذا الحزم

رسالة في بيان المبدأ والحقبة وتاريخ الحكم الاميني في طيوس طاب ثراه
رسالة في تخمين كتابنا الجوي شيخنا الموقر مولانا محمد طاب ثراه
رسالة اخرى في تخمين صفة الاسطرلاب لفضلنا الماخزي في الشيخ بهاء الدين

العاملي رضوا الله عنهم

ولقد تصدقنا في هذا الحزم والشرعنا قلنا انك

مهد الحسني فكل من حو من غفوا اقامه في علة

تاجر كتابنا في شرح كتابنا طاب ثراه

وانا العبد محمد

الرضوي في الخلال

طهر انبند

